

شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت کودک بر اساس دیدگاه والدین ایرانی

Identifying the Main Components of Child Rearing According to the Iranian Parents' Points of View

Kh. Rashid, Ph.D.

Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

M. Hoseiny Asl Nazarloo, Ph.D. Student

Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

A. Yagoobi, Ph.D.

Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

R. Kord nogabi, Ph.D.

Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

دکتر خسرو رشید ✉

گروه روان‌شناسی دانشگاه بوعلی همدان

مریم حسینی اصل نظرلو

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه بوعلی همدان

دکتر ابوالقاسم یعقوبی

گروه روان‌شناسی دانشگاه بوعلی همدان

دکتر رسول کرد نوقابی

گروه روان‌شناسی دانشگاه بوعلی همدان

دریافت مقاله: ۹۵/۵/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۶/۴/۱۸

پذیرش مقاله: ۹۶/۵/۲۱

Abstract

Child rearing and improving various dimensions of human development are basic life challenges of contemporary societies. According to this, the aim of this research was to identify the main components of child rearing based on Iranian parents' view. The research method was qualitative and the statistical population, based on ethnicity were Urmia (Turkish & Kurdish) and Tehran (Persian) cities. The samples were chosen purposively until theoretical saturation was achieved. 300 Semi-structured interviews were conducted to collect the Parents' viewpoints of child rearing.

✉ Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
Email: khosrorashid@yahoo.com

چکیده

تربیت کودک و بهبود ابعاد گوناگون رشد انسان از چالش‌های اساسی زندگی جوامع امروز است. بر این اساس هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های تربیت کودک بر اساس دیدگاه والدین ایرانی بود. روش تحقیق کیفی و جامعه آماری بر اساس قومیت‌های شهرهای ارومیه (ترک و کرد) و تهران (فارس) بودند. نمونه‌ها به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و تا حد اشباع داده‌ها از این شهرها انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری نظرات والدین در ارتباط با مؤلفه‌های تربیت کودک با ۳۰۰ والد مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته به عمل آمد.

✉ نویسنده مسئول: همدان، دانشگاه بوعلی همدان، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، گروه روان‌شناسی.
پست الکترونیکی: khosrorashid@yahoo.com

After data analysis (coding and content analysis), nine main components of moral, religious, physical, financial, political, social, sexual, emotional, and intellectual trainings were extracted. According to the results of survey, the Iranian parents mainly focused on religious, moral, and social training goals, while they had few information about some of components such as emotional, sexual, political, and financial trainings. The results of the present study can provide proper background information to fill the existing knowledge gap of Iranian parents' perspectives about child rearing.

Keywords: Child Rearing, Financial Training, Political Training, Social Training, Sexual Training.

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها (کدگذاری و مضمون‌یابی) ۹ مقوله اصلی شامل تربیت اخلاقی، تربیت دینی، تربیت جسمانی، تربیت اقتصادی، تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی و تربیت عقلی استخراج گردید. با توجه به نتایج تحلیل داده‌ها والدین ایرانی اشاره بیشتری به اهداف تربیتی دینی، اخلاقی و اجتماعی داشتند و در برخی از حیطه‌ها از قبیل تربیت عاطفی، جنسی، سیاسی و اقتصادی اطلاعات اندکی داشتند. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند بستری مناسب برای پر کردن خلأهای فرهنگی موجود در زمینه فرزندپروری از دیدگاه والدین ایرانی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: تربیت کودک، تربیت اقتصادی، تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی.

مقدمه

روزانه تعداد بی‌شماری از والدین در سراسر جهان با چالش تربیت کودک^۱ مواجه می‌گردند. این چالش از دوران نوزادی شروع شده و تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند. رشد موفقیت‌آمیز کودک در گرو شناخت ابعاد مختلف تربیت و فرهنگ جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. تربیت فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، عاطفی است که جامعه از طریق آن تمامی عناصر فرهنگی را به اعضایش انتقال می‌دهد. از دید کلی می‌توان تربیت را به دو قسم تربیت جسمی و روانی تقسیم کرد. اما یافته‌های روان‌شناسان درباره ابعاد رشد انسان، باعث گسترش ابعاد تربیت گشته است. روان‌شناسان رشد انسان را به چهار بعد تقسیم کرده‌اند؛ رشد جسمی، شناختی، عاطفی، اجتماعی. تغییر و دگرگونی در ساختمان بدن و شکل‌گیری انواع مهارت‌ها شامل رشد جسمی است و توجه به مسائل مرتبط با سلامت جسمی از قبیل تغذیه، ورزش، استراحت و... در حیطه تربیت جسمی قرار دارد. منظور از شناخت، قوای ذهن همچون ادراک، حافظه، تخیل، زبان، ادراک، توجه و حل مسئله است و تلاش برای رشد طبیعی این استعدادها و آموزش استفاده درست از آنها شامل تربیت عقلی است. بیشتر خانواده‌ها بر رشد فکری کودک تأکید دارند و آن را زمینه‌ای برای تضمین آینده کودک می‌دانند. در مکالمات روزانه کلمه عاطفه به آگاهی هوشیارانه از تغییری مشخص در احساس درونی گفته می‌شود که غالباً همراه با افکاری است درباره این احساس و پدیده‌هایی که آن را ایجاد کرده‌اند (مطهری^۲، ۱۳۵۷). معنای علمی عاطفه عبارت است از تغییراتی در مغز و بدن، به خصوص در دستگاه‌های عصبی خودمختار و لیمبیک که پیامد احساس درد، محرومیت، روبه‌رو شدن با پدیده تازه، احساس خطر، ارضای حسی، چالش، تبادل اجتماعی یا جدایی از فرد آشنا ایجاد

می‌شود. بنابراین تربیت عاطفی به معنای کمک به فرد در جهت کنترل و جهت‌دهی تغییرات ناگهانی مذکور و اعمال آگاهانه آن‌ها در مکان و زمان مناسب است. رشد اجتماعی به معنای برقراری روابط موفقیت‌آمیز با دیگران است و مفاهیمی از قبیل عزت نفس، خودپنداره و... را شامل می‌شود (ماسن، کانجر، کیگان و هوستون^۳، ترجمه یاسایی^۴، ۱۳۸۵).

تربیت کودک در جهان امروزی با آن چه ۵۰ سال قبل وجود داشت، تفاوت پیدا کرده است. ۵۰ سال یا قبل‌تر، افرادی والدین خوب تلقی می‌شدند که به کودکان‌شان رفتار مؤدبانه، احترام و مسئولیت‌پذیری را آموزش می‌دادند. والدین تلاش می‌کردند تا کودکان‌شان را از خطراتی مثل کمبود غذا و نبود پناهگاه حفظ نمایند. با گذشت زمان اطلاعات درباره رشد فیزیکی، اجتماعی، عاطفی و عقلی فراهم شد. در یک دوره نسبتاً کوتاه انفجاری در نظریه‌های روان‌شناسی کودک پدید آمد. در کنار این درک جدید از چگونگی رشد کودکان فشارها و چالش‌های جدیدی بر والدین تحمیل شد، آن‌ها نه تنها باید کودکانی را تربیت کنند که سازگار باشند؛ بلکه هم‌چنین از لحاظ عاطفی و ارتباطی نیز باید سالم باشند. در کنار فراهم شدن دانش علمی درباره حوزه‌های مختلف رشد کودک، والدین جامعه امروز با آسیب‌هایی مثل رشد تک‌بعدی کودکان مواجه هستند. به فراخور مقتضیات عصر تکنولوژی و تخصصی شدن مشاغل، پدر و مادر تأکید بیمارگونه‌ای بر تحصیل علم دارند و سایر ابعاد رشد کودک را قربانی پیشرفت علمی می‌کنند. در حالی که یکی از علل مهم افزایش مسائل رفتاری کودکان مثل اعتیاد، رفتار جنسی مشکل‌ساز، بزهکاری، خشونت، بیماری‌های روانی و مانند آن، نگرش تک‌بعدی والدین به تربیت است. غنی کردن دانش پرورش والدین زمینه‌ساز پیشگیری از انواع مسائل رفتاری کودکان است (واگنهایس^۵، بی تا).

والدین از تربیت فرزند به دنبال تحقق اهدافی هستند. در واقع اهداف تربیت کودک به عنوان نتایجی که والدین درصدد رسیدن به آن‌ها هستند، تعریف شده است. فالت و شونفلوگ^۶ (۲۰۱۰) پیشنهاد می‌کنند که اهداف تربیتی مکانیسمی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی هستند. بنابراین، این احساس ایجاد می‌شود تا نحوه تأثیرپذیری اهداف از فرهنگ را بیازماییم. از آنجایی که هدف‌گذاری تربیتی والدین تحت تأثیر ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های آن‌ها است و در میان قومیت‌های مختلف یک کشور ارزش‌های متفاوتی حاکم است، بنابراین احتمالاً در میان گروه‌های قومی از لحاظ ارزش‌گذاری مؤلفه‌های تربیت تفاوت وجود خواهد داشت. نظریه‌های قومیتی اهداف رشدی را ایجاد می‌کند که به والدین اجازه می‌دهد تا کودکان‌شان را با ارزش‌های فرهنگی اجتماعی کنند. روزنتال و روئر - استیر^۷ (۲۰۰۱) مفهومی مشابه با نظریه قومیتی را پیشنهاد کردند؛ آن‌ها معتقد هستند که والدین نوعی «بالغ انطباق‌یافته» را تجسم می‌کنند تا اهداف اجتماعی شدن آنان را هدایت کند. اهداف اجتماعی شدن والدین القای ویژگی‌هایی هستند که ارزشمند بوده و احتمالاً در فرهنگ خاصی الزامی هستند.

تحقیقات گذشته برای درک تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تربیت کودکان، بر مدل‌های فرهنگی استقلال و وابستگی متمرکز شده‌اند. کشورهای که این مدل‌ها را تأیید می‌کنند، به طور کلی به عنوان فرهنگ‌های فردی یا جمعی نام‌گذاری شده‌اند (پیرسون و راثو^۸، ۲۰۰۳). برای مثال، بسیاری از فرهنگ‌های آسیایی و آفریقایی به عنوان فرهنگ جمعی طبقه‌بندی شده‌اند، زیرا اعضای آن‌ها به وابستگی اجتماعی و انطباق ارزش می‌دهند. در مقابل، جوامع اروپایی و آمریکایی به عنوان فرهنگ فردی طبقه‌بندی شده‌اند، زیرا اعضای آن‌ها

به فردگرایی و اعتماد به نفس اولویت می‌دهند (مارکوس و کیتایاما^{۱۱}، ۱۹۹۱). فالت و شونفلوگ (۲۰۰۱) پیشنهاد می‌کنند که ارزش‌های فردی و جمعی بر اهداف والدین تأثیر می‌گذارد، به طوری که «والدین کشورهایی که عمدتاً فرهنگ جمعی دارند (مثل، ترکیه و سنگاپور) گرایش دارند تا بر اهداف انطباقی مثل اطاعت و احترام تأکید کنند، در حالی که والدین کشورهای فردگرا (مثل، آلمان و ایالات متحده) تمایل دارند تا بر اهداف استقلال مثل تفکر مستقل تأکید کنند. این‌گونه بیان شده است که فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا این ارزش‌ها را تأیید می‌کنند، زیرا با محیط زندگی آنان سازگار است.

«شرایط خاص اقتصادی و محیطی ساختارهای اجتماعی متفاوتی را به وجود می‌آورد که به نفع مسیرهای رشدی متفاوت است. بنابراین، مسیرهای رشد، حاصل سازگاری با این شرایط فیزیکی و اقتصادی است. بنابراین، به نظر می‌رسد که مسیر وابستگی نوعی پاسخ انطباقی به جوامع کوچک و اقتصاد معیشتی آنان است؛ این جوامع به سنت ارزش می‌دهند و بنابراین به کندی تغییر پیدا می‌کنند. در مقابل مسیر استقلال، به نظر می‌رسد که نوعی پاسخ انطباقی به جوامع شهری بزرگ، ناشناس و اقتصاد تجاری باشد؛ در این جوامع نوآوری به عنوان ارزش تلقی می‌شود و بنابراین به سرعت تغییر پیدا می‌کند (گرینفیلد، کلر، فولیگنی و ماینارد^{۱۲}، ۲۰۰۳). بنابراین، تمایزی که تحقیقات گذشته بین فرهنگ فردگرا/جمع‌گرا قائل شده‌اند، در فراهم آوردن توضیح درباره این‌که چرا والدین با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت آرمان‌های متفاوتی را تأیید می‌کنند و آن‌ها را به کودکان‌شان القا می‌کنند، مفید بوده است.

با این حال، تمایز بین فردگرا/جمع‌گرا بیش از اندازه ساده به نظر می‌رسد (کلر و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۶) و ممکن است نتواند بین گروه‌های قومیتی به طور کامل تمایز قائل شود. دانشمندان معاصر (اوپرسمن، کون و کملمیر^{۱۲}، ۲۰۰۲) پیشنهاد می‌کنند که جوامع مدرن امروزی به روشنی قابل طبقه‌بندی به جوامع فردگرا و جمع‌گرا نیستند، زیرا ارزش‌های فرهنگی می‌تواند به طور هم‌زمان هر دو بعد را دربر گیرد. کایتکیبای^{۱۳} (۲۰۰۵) پیشنهاد کرده است که ارزش‌های فردی و جمعی در امتداد یک پیوستار قرار می‌گیرند و درجات استقلال و وابستگی متقابلاً منحصربه‌فرد نیستند؛ فرهنگ می‌تواند هر دو را تأیید کند.

در مجموع تحقیقاتی که در حوزه تفاوت‌های فرهنگی در فرزندپروری انجام شده است، نشان می‌دهد که بین جوامع مختلف از لحاظ اهداف و شیوه‌های تربیتی تفاوت وجود دارد و همچنین این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌ها و نیازهایی است که جامعه خواستار آن است و آن‌ها را تقویت می‌کند. از آنجایی که اغلب توصیه‌های تربیتی برآمده از مطالعات کشورهای غربی است و تفاوت‌های فردی، نژادی و فرهنگی در نظر گرفته نشده است، ضرورت شناسایی این تفاوت‌ها و تدوین منابع تربیتی مطابق با فرهنگ هر جامعه‌ای بیش از پیش احساس می‌شود. در روشنای شناسایی این تفاوت‌ها و درک علل زیربنایی آن‌ها زمینه مناسبی برای ارتباط مناسب بین قومیت‌های مختلف و کاهش پیش‌داوری‌های اقلیت‌های قومی فراهم می‌شود.

یکی از اهداف تربیتی والدین توانمند شدن اقتصادی فرزندان است، پژوهش و بلی و نیپاس^{۱۴} (۲۰۰۶) نشان داد که رفتار والدین (مانند بحث کردن با کودکان درباره مسائل مالی) بر جهت‌گیری و پس‌انداز در آینده تأثیر دارد.

ایسپا^{۱۵} (۲۰۰۱) در تحقیقی به بررسی تغییرات در اهداف تربیتی مراقبان و والدین پرداخته است. او از طریق مصاحبه، مشاهده و کتاب‌های تربیتی روسی به این نتیجه رسیده است که اهداف سلامت، فضل، ادب و

تحسین زیبایی هنوز هم مهم هستند و تغییرات شامل تأکید بیشتر بر اهداف با چاشنی استقلال (شادی و اعتماد به نفس)، توجه بیشتر به ایجاد حس قدردانی نسبت به تاریخ و فرهنگ روسی و تأکید بیشتر بر آمادگی تحصیلی برای مدرسه است.

پژوهشی نشان می‌دهد که برای مادران ژاپنی که به عنوان مثالی از فرهنگ جمع‌گرا به کار می‌روند، اهداف پرورش کودک از قبیل همکاری، لطف، تفکر و همدلی نسبت به مادران آلمانی که به فرهنگ فردی تعلق داشتند، مهم‌تر بودند. مادران چینی - آمریکایی، به عنوان نمایندگان فرهنگ جمعی، اهدافی مثل اطاعت، احترام گذاشتن، برقراری روابط خوب با کودک را گزارش کردند، در حالی که مادران اروپایی - آمریکایی بر بزرگ‌نمایی خود کودک تأکید داشتند و قصدشان تسهیل فرایند کاوش کودک بود (چاو^{۱۶}، ۱۹۹۵).

برخی از مطالعات نشان می‌دهد که اهداف پرورش کودک مانند رفتارهای خوب و ادب در فرهنگ‌های جمع‌گرا مهم‌تر هستند (هارود، شولمریچ، ونتورا-کوک، شولز و ویلسون^{۱۷}، ۱۹۹۶)، در حالی که مطالعه اخیر نشان داد که این نتایج از لحاظ روش‌شناسی متفاوت هستند (وانگ و تامیس‌لموندا^{۱۸}، ۲۰۰۳). موضوع دیگر برای اهداف پرورش کودک پیشرفت تحصیلی یا توانمندی‌های مرتبط با پیشرفت است، به عنوان مثال، مادران ویتنامی - استرالیایی نسبت به مادران آنگلو - استرالیایی برای هوش امتیاز بیشتری می‌دهند (روزنتال و گولد^{۱۹}، ۱۹۸۹).

هافمن^{۲۰} (۱۹۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان تفاوت‌های فرهنگی در اهداف تربیت کودک، به مقایسه اهداف تربیتی در جوامع شهری و روستایی با نمونه‌های متفاوت از لحاظ اطلاعات دموگرافی کشورهای ترکیه، کره، اندونزی، فیلیپین، تایلند، تایوان، سنگاپور و ایالات متحده پرداخته و به این نتیجه رسیده است که کودکان نیازهای خاص والدین را تأمین می‌کنند و برآورده شدن نیازهای خاص بر جهت‌گیری‌های تربیتی والدین تأثیر می‌گذارد. والدینی که فرزندان را به عنوان برآورده‌کننده منافع اقتصادی دیدند، بیشتر احتمال داشت که خواستار فرزند مطیع باشند تا مستقل و در میان والدین تحصیلکرده این خواسته بیشتر به چشم می‌خورد که فرزندان شغل مناسبی داشته باشند. والدینی که فرزندان را به عنوان منبعی از عشق و هم‌نشینی می‌دانند، به دنبال ویژگی‌های هم‌خوئی هستند، در حالی که آن‌هایی که فرزندان را به عنوان تقویت‌کننده روابط متأهلی می‌بینند، خواهان فرزندان مستقل هستند. از بین والدین تحصیلکرده، آن‌هایی که به دنبال رضایت حاصل از موفقیت بودند، از بچه‌هایشان خواستند تا در مدرسه عملکرد خوبی داشته باشند، اما اکثریت والدینی که خشنودی حاصل از موفقیت را مد نظر داشتند فضایل اخلاقی را به عنوان اهداف خود تنظیم کردند.

همان‌طوری که پیش از این نیز گفته شد، والدین اهداف تربیتی متفاوتی دارند و اهداف تربیتی آنان تحت تأثیر ارزش‌های جامعه است و احتمالاً آن‌چه در یک جامعه ارزش تلقی می‌گردد، ممکن است در جوامع دیگر از اهمیت چندانی برخوردار نباشد. بنابراین با آگاهی از این تفاوت‌ها می‌توان محتوای متناسب با ارزش‌های هر جامعه را طراحی کرد و از میزان سردرگمی‌های والدین که ناشی از مغایرت اهداف تربیتی آنان با اهداف تربیتی برآمده از جوامع متفاوت است، کاست. از سوی دیگر، کتاب‌های متعددی درباره رشد انسان تألیف شده است، اما کمتر می‌توان محتوای آموزشی مدونی درباره آموزش بهینه هر یک از ابعاد مختلف رشد انسان

پیدا نمود (این کمبود به ویژه در زمینه منابع متناسب با توجه به چندقومیتی بودن کشورمان بیشتر احساس می‌شود).

بر اساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر قصد داشت به این پرسش پاسخ دهد که مؤلفه‌های تربیت کودک از منظر والدین ایرانی کدام‌اند؟

روش تحقیق (جامعه، نمونه، مواد و روش)

در این تحقیق به دنبال شناسایی مؤلفه‌های تربیت کودک بر اساس دیدگاه والدین ایرانی بودیم و از آنجایی که بر اساس مبانی پژوهش اهداف تربیت کودک تحت تأثیر ارزش‌های قومیتی هستند و در ایران اقوام گوناگونی ساکن هستند، در ابتدا قومیت تعریف شد. قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت که عناصر محوری هویت، اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک را دارا است (ایوبی^{۲۱}، ۱۳۷۷). اقوام ایرانی از نظر زبان و گویش عبارتند از: فارس، ترک، کرد، لر، عرب، ترکمن، تالش. اما با توجه به گستردگی اقوام ایرانی و محدودیت پژوهشگر در این پژوهش تلاش شد تا صرفاً قومیت‌های ترک، فارس و کرد مورد توجه قرار گیرد. در راستای شناسایی مؤلفه‌های تربیت کودک شیوه تحقیق از نوع کیفی پدیدارشناسی است. پژوهش کیفی، فرایند بررسی فهم و درک مبتنی بر سنت‌های روش‌شناختی مشخصی است که یک مسئله انسانی یا اجتماعی را کشف می‌کند.

این پژوهش تصاویری پیچیده و کلی می‌سازد، واژه‌ها را تحلیل، دیدگاه آگاهی‌دهندگان را به گونه‌ای گزارش و مطالعه را در یک محیط طبیعی هدایت می‌کند (کرسول^{۲۲}، به نقل از هومن^{۲۳}، ۱۳۸۹). هدف تحقیقات کیفی درک همه‌جانبه بر اساس داده‌هایی است که محتوا همراه با ظرافت‌هایش در آن منظور شده است و بیشتر روی تحلیل‌های کل‌گرایانه تأکید می‌شود. بدین ترتیب جهت نیل به اهداف پژوهش از مصاحبه‌های کیفی نیمه‌سازمان‌یافته با والدین استفاده شد و از آنجا که هدف این پژوهش درک تجارب والدین شرکت‌کننده می‌باشد جهت استخراج نهایی نتایج از تحلیل پدیدارشناسی استفاده شد. جامعه آماری شامل والدین ترک‌زبان و کردزبان شهر ارومیه و والدین فارس‌زبان شهر تهران بود. برای تعیین حجم نمونه از اشباع نظری داده‌ها استفاده شد. بدین معنی که فرایند گسترش نمونه تا جایی ادامه یافت که دیگر هیچ داده جدیدی پدیدار نشد و به عبارتی داده‌ها به اشباع رسیدند. در این پژوهش پس از بررسی نظرات ۳۰۰ والد که ۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد (برای هر قومیت ۱۰۰ نفر) بودند داده‌ها به حد اشباع نظری رسیدند و عمل گزینش دیگر ادامه نیافت (با این توضیح که در برخی از قومیت‌ها اشباع داده‌ها با تعداد کمتری اتفاق می‌افتاد، اما برای افزایش دقت و مقبولیت کار ما مصاحبه را برای هر قومیت تا ۱۰۰ نفر ادامه دادیم).

در شهر ارومیه با دو قومیت ترک‌زبان و کردزبان ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از مناطق شش‌گانه، مناطق سه و چهار به صورت تصادفی انتخاب گردید. در منطقه سه محله شمالی و در منطقه چهار محله شیخ شلتوت به تصادف انتخاب گردید. در ادامه با مراجعه به درب منازل برای انتخاب اعضای نمونه ملاک‌هایی از قبیل والد بودن، زبان (ترک‌زبان یا کردزبان)، میزان تحصیلات، قومیت، تمایل به مصاحبه، و توانایی انتقال تجارب در زمینه مؤلفه‌های تربیت کودک مد نظر قرار گرفت. در شهر تهران نیز با قومیت

فارس ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران منطقه سه به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از منطقه سه محله پاسداران به تصادف انتخاب شد. در ادامه با مراجعه به درب منازل برای انتخاب اعضای نمونه ملاک‌هایی از قبیل والد بودن، زبان (فارس‌زبان بودن)، میزان تحصیلات، قومیت، تمایل به مصاحبه و توانایی انتقال تجارب در زمینه مؤلفه‌های تربیت کودک مد نظر قرار گرفت. برای انتخاب افراد برای سه قومیت ترک، کرد و فارس دارا بودن دو ملاک زبان مادری و محل سکونت مد نظر قرار گرفت.

در این تحقیق به منظور جمع‌آوری نظرات والدین در ارتباط با مؤلفه‌های تربیت کودک از ۳۰۰ والد مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته به عمل آمد. سوالات مصاحبه به صورت کلی عبارت بودند از: ۱- تربیت چیست و شامل چه چیزهایی است؟ ۲- اهداف تربیتی شما چه چیزهایی هستند؟ ۳- از نظر شما کودک با تربیت چه ویژگی‌هایی دارد؟ در صورت موافقت شرکت‌کنندگان مصاحبه‌ها ضبط شد و در غیر این صورت نظرات والدین شرکت‌کننده در تحقیق روی کاغذ ثبت شد. قبل از شروع مصاحبه از والدین سؤالات دموگرافی (مثل سن، تحصیلات، تعداد فرزندان، میزان درآمد و مانند آن) پرسیده شد. سپس از آن‌ها خواسته شد تا درباره تربیت کودک و اهداف تربیت بیندیشند. در ادامه از آن‌ها خواسته شد تا اهداف تربیتی خود را بگویند. در خلال مصاحبه از سؤالات کاوشی مثل «مثال بزنید، می‌توانید بیشتر توضیح دهید، آیا منظورتان این است» استفاده شد. برای مثال یک مادر کردزبان به مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از اهداف تربیتی خود اشاره کرد و آن را این‌گونه تعریف کرد: «مسئولیت‌پذیری یعنی این‌که بچه در مقابل رفتارهایی که انجام می‌دهد احساس مسئولیت بکند. مثلاً بداند که مسئولیت انجام تکالیفش بر عهده خود اوست و باید آن‌ها را به طور منظم انجام دهد». پدری فارس‌زبان به اهدافی مثل استقلال اشاره کرد و آن را به حیله‌هایی هم‌چون استقلال رفتاری، فکری و مالی تقسیم‌بندی کرد.

محیط پژوهش، با توجه به نوع پژوهش کیفی، محیط واقعی بوده و هر جا والدین در دسترس بوده‌اند (خانه، محل کار، پارک‌ها و سایر جاها) انجام شده است. اخلاقیات پژوهش (جلب رضایت آگاهانه، حفظ اسرار مشارکت‌کنندگان و محرمانه بودن اطلاعات، حق کناره‌گیری از پژوهش در هر زمان دلخواه) رعایت شده است. به این ترتیب که در ابتدا به شرکت‌کنندگان نامه‌ای داده شد که شامل توضیحاتی درباره موضوع و اهمیت پژوهش، شرایط شرکت آزمودنی‌ها، حق کناره‌گیری از تحقیق در هر زمانی از تحقیق و کاربرد اطلاعات گردآوری شده بود. سپس از آن‌ها خواسته شد که در صورت تمایل به شرکت در مصاحبه آن را امضا کنند. جهت رعایت رازداری از پرسیدن اسامی شرکت‌کنندگان خودداری شد. هم‌چنین در صورت عدم رضایت شرکت‌کنندگان مبنی بر ثبت ویدئویی مصاحبه‌ها به ثبت نوشتاری داده‌ها اکتفا شد. از روش‌های مختلفی مانند بررسی و مشاهده مداوم، تخصیص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها و حسن ارتباط با مشارکت‌کنندگان و انجام مصاحبه در مکان‌های دلخواه مشارکت‌کنندگان جهت افزایش مقبولیت و قابلیت اعتماد داده‌ها استفاده شد. جهت کاهش سوءگیری محقق (به علت ترک‌زبان بودن)، جهت جمع‌آوری داده‌ها از دو فرد دیگر با قومیت کرد و فارس (هر دو فرد کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی بودند) کمک گرفته شد. آموزش مصاحبه‌کننده‌ها در دو مرحله صورت گرفت. به این ترتیب که در اولین مرحله، بین مصاحبه‌کنندگان (شامل همکار و خود محقق) درباره شیوه‌های مصاحبه، شرایط آن، امکانات مورد نیاز، کنترل‌های

ضروری و محفوظ نگه داشتن اطلاعات و موضوع تبادل نظر شد. سپس در مرحله دوم تمرین‌های فرضی برای انجام مصاحبه اصلی انجام گرفت و برای افزایش پایایی تحلیل داده‌ها توسط فرد دیگری (دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی با قومیت فارس) مورد ارزیابی و نمره‌گذاری قرار گرفت. پس از آن پایایی به روش توافق بین ارزیابان (ضریب کاپا) برای کل داده‌ها محاسبه گردید. پایایی توافق بین ارزیابان یا ضریب کاپا $(\kappa) = 0.7$ به دست آمد.

برای تحلیل داده‌ها از روش پیشنهادی اسمیت (اسمیت، به نقل از ادیب حاج باقری، پرویزی و صلصالی^{۲۴}، ۱۳۸۹) استفاده شده است. اسمیت سه مرحله برای تحلیل داده‌ها در روش پدیدارشناسی پیشنهاد کرده است: ۱- تولید اطلاعات ۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها ۳- تلفیق موردها. به این ترتیب که مصاحبه‌ها پس از ضبط روی فایل صوتی بلافاصله خط به خط دست‌نویس شدند و با مطالعه و مقایسه نوشتارها ابتدا مضمون‌های فرعی استخراج گردید، سپس با استمرار مقایسه و لحاظ کردن تفاوت‌ها و تشابه‌ها مضمون‌های کلی‌تر استخراج شدند و در نهایت به همان شیوه و از طریق تلفیق، مضمون‌های نهایی استخراج شدند.

یافته‌ها

۱- تربیت دینی

بر اساس نظر والدین شرکت‌کننده در تحقیق یکی از وظایف مهم والدین تربیت دینی کودک است. به اعتقاد آنان والدین باید از اوایل دوره کودکی، فرزندشان را با مفاهیمی از قبیل خالق، دنیا و آخرت، بهشت و جهنم، رستگاری، امامت و نبوت، معاد و رستاخیز، هدف از خلقت انسان آشنا سازند و آن‌ها را به انجام تشریفات مذهبی از قبیل خواندن نماز، گرفتن روزه، حضور در اماکن مذهبی از قبیل مسجد تشویق کنند. به اعتقاد والدین تربیت دینی زمینه‌ساز سلامت کلی کودکان است و سعادت دنیوی و اخروی آنان را تضمین می‌کند. برای مثال مادری معتقد بود: «آرزویم این است که فرزندانم عاقبت به خیر شوند و اگر به خدا ایمان داشته باشند و نماز بخوانند، هم در این دنیا و هم در آخرت رستگار می‌شوند. از نظر والدین شرکت‌کننده در مصاحبه والدین باید الگوی دینی فرزندان باشند و با آنان را به انجام اعمال مذهبی تشویق نمایند. یکی از پدران شرکت‌کننده در تحقیق در جواب سؤال «دوست داری فرزندت چگونه تربیت شود؟» این‌گونه پاسخ داد: «دوست دارم فرزندم را طوری تربیت کنم که با خدا باشد، حلال و حرام را رعایت کند و دزدی و خلاف نکند». یکی از مادران ترک‌زبان با سطح سواد لیسانس معتقد بود: «من سعی می‌کنم دخترم را با خدا آشنا کنم و به همین خاطر به زبان ساده به او می‌گویم که خداوند خیلی مهربان است و مواظب ما انسان‌ها است تا کارهای خوب انجام دهیم و باعث ناراحتی دیگران نشویم. اگر دخترم بداند که رفتارهایش تحت نظارت خداوند است، سعی می‌کند درست رفتار کند. اما به نظرم ترساندن بیش از حد هم درست نیست و باید تصویر درستی از خدا به فرزندانمان ارائه دهیم.» به عنوان مثال دیگری از تربیت دینی کودک یک پدر کردزبان با سطح تحصیلات فوق دیپلم یکی از اهداف تربیتی خود را پرورش فرزند راستگو و صادق می‌دانست و این‌گونه اظهار نظر کرد: «یکی از هدف‌های مهم من در زندگی این است که فرزندانم راستگو باشند و سعی کنند همیشه صداقت و درستی را پیشه خود کنند.

جدول ۱: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت دینی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت دینی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۲۰	۲۵	۲۵	۲۵	۱۵	۳۰ (بار)	نماز خواندن
۱۲	۲۲	۱۷	۲۹	۱۴	۲۷	روزه گرفتن
۳۰	۴۸	۳۵	۴۰	۴۰	۴۵	اعتقاد به خدا
۲۲	۱۰	۱۵	۱۸	۲۰	۲۳	رعایت پوشش
۵	۲۰	۴	۵	۱۲	۱۹	شرکت در مراسم مذهبی
۱۵	۲۰	۱۴	۱۹	۱۵	۲۳	اعتقاد به معاد
۳	۲۰	۱۰	۴	۱۰	۱۱	ایمان به پیامبران و امامان
۳۸	۳۲	۳۳	۲۲	۲۷	۳۸	راستگویی
۱۳	۹	۸	۱۵	۹	۱۲	خواندن قرآن و عمل به آن
۱۸	۱۵	۱۹	۱۶	۲۰	۱۴	پرهیز از کارهای خلاف
۲۵	۳۰	۲۷	۲۰	۲۳	۳۱	رعایت حلال و حرام
۲۱	۲۶	۱۶	۱۵	۲۰	۲۵	شناخت خدا
۳	۹	۲	۸	۶	۹	پی بردن به هدف آفرینش
۴۷	۳۶	۳۴	۴۷	۳۹	۴۵	احسان به دیگران
۱۲	۲۴	۱۵	۱۷	۱۳	۲۳	ترس از خدا
۱۶	۲۸	۳۹	۳۲	۲۷	۳۸	توکل بر خدا
۱۵	۱۲	۵	۹	۷	۱۵	کسب سعادت دنیوی و اخروی
۲	۴	۲	-	۲	-	امر به معروف و نهی از منکر

تمام تلاش‌ها را می‌کنم تا خودم الگوی خوبی برای فرزندانم باشم. زمانی بچه‌ها می‌توانند راستگو باشند که به آن‌ها اعتماد شود و ترس از تنبیه نداشته باشند».

۲- تربیت اخلاقی

از جمله اهداف تربیتی والدین شرکت‌کننده در تحقیق، پرورش ویژگی‌هایی از قبیل نوع‌دوستی، همدلی، وجدان، عدالت، درستکاری، راست‌گویی، شجاعت، صبوری، امانتداری، عفت و احترام بود.

جدول ۲: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت اخلاقی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۳۲	۴۵	۳۸	۴۹	۴۵	۴۶ (بار)	احترام
۴۳	۳۹	۳۹	۳۸	۴۱	۳۶	نوع‌دوستی
۱۶	۳۲	۱۹	۲۱	۱۸	۲۹	همدلی
۱۴	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۹	باوجدان بودن
۳۳	۲۹	۳۴	۳۵	۲۳	۳۳	درستکاری
۱۹	۲۱	۳۸	۲۹	۴۰	۳۳	شجاعت
۳۰	۲۸	۳۸	۳۳	۲۸	۳۷	صبوری
۱۹	۱۲	۱۸	۲۵	۱۹	۱۷	امانتداری
۱۷	۳۰	۲۴	۱۹	۳۲	۲۹	عفت
۲۳	۱۶	۲۴	۱۸	۲۵	۱۹	عدالت
۶	۷	۶	۴	۵	۷	خیرخواهی
۶	۳	۱	۵	۲	۴	رازداری
۱	۶	۳	۹	۱۱	۱۲	پرهیز از دروغ‌گویی

این مفاهیم در حیطه تربیت اخلاقی قرار می‌گیرند. احترام به بزرگ‌تر و در کل به دیگران پربسامدترین خواسته والدین بود. در ادامه نمونه‌هایی از نظرات والدین شرکت‌کننده در تحقیق آورده شده است:

مادر کردزبان (دیپلم): «به نظر من باید به فرزندمان یاد بدهیم که به نیازمندان کمک کند. به بزرگ‌ترها احترام بگذارد و جلوی بزرگ‌ترها بی‌ادبی نکند.»

مادر فارس‌زبان (لیسانس): «کودک باتربیت کودکی است که دروغ نمی‌گوید. احترام دیگران را نگه می‌دارد. خوش‌اخلاق و باوجدان است.»

مادر ترک‌زبان (فوق دیپلم): «می‌خواهم که فرزندانم را طوری بار بیاورم که کارهای اخلاقی مثل کمک به نیازمندان انجام بدهند و کار خلاف انجام ندهند.»

پدر فارس‌زبان (فوق لیسانس): «کودک باتربیت کودکی است که از لحاظ اخلاقی درست پرورش یافته باشد و بتواند درست و غلط را تشخیص دهد و با وجدانش قضاوت کند. به عنوان مثال تشخیص دهد که حق دیگران را ضایع نکند و برای رسیدن به منافعش هر کاری نکند.»

پدر کردزبان (لیسانس): «من دوست دارم فرزندانم را طوری بار بیاورم که درستکار باشند، عدالت را رعایت کنند و از شجاعت لازم برای گفتن حرف راست برخوردار باشند. به نظرم والدین نمی‌توانند انتظار داشته باشند که کودکان‌شان راستگو باشند، در حالی که در حضور فرزندانشان دروغ می‌گویند.»

۳- تربیت اقتصادی

از نظر والدین شرکت‌کننده در تحقیق تضمین آینده کودک از لحاظ شغلی و خانوادگی در گرو داشتن تحصیلات، صرفه‌جویی و پس‌انداز و آشنایی با مفاهیمی از قبیل پول، سرمایه‌گذاری، سود، سپرده و تولید و خرید و فروش است. از دیدگاه والدین یکی از مصادیق استقلال، عدم وابستگی اقتصادی است. آن‌ها معتقد بودند که دادن خرجی به کودکان و نظارت بر نحوه استفاده از آن می‌تواند مسئولیت‌پذیری آنان را افزایش دهد. همچنین والدین بیان کردند که منوط کردن پاداش به انجام وظایف خاص باعث می‌شود تا کودک به تدریج بین زحمتی که برای انجام کار می‌کشد و دریافت حق‌الزحمه ارتباط برقرار کند.

در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر تربیت، والدین کمتر به مؤلفه تربیت اقتصادی اشاره کردند و آگاهی‌های چندانی در این زمینه نداشتند و صرفاً با هدایت مصاحبه‌کننده به این حیطه از تربیت اشاره می‌کردند. نمونه‌ای از اظهارات والدین عبارت است از:

مادر ترک‌زبان (لیسانس): «باید کودکان‌مان یاد بگیرند که همه چیز ساده به دست نمی‌آید و برای به دست آوردن پول باید تلاش و کوشش کند. به همین خاطر من در خانه پول جیبی را مشروط به انجام کارهای خانه کرده‌ام. این‌طوری فرزندم یاد می‌گیرد که برای تأمین نیازهایش تلاش کند و احساس مسئولیت داشته باشد.»

پدر ترک‌زبان (لیسانس): «من دوست دارم فرزندم در آینده فردی مستقل باشد و بتواند شغل خوبی داشته باشد و از عهده مخارج زندگی‌اش برآید. ما به عنوان والدین وظیفه داریم که کودک‌مان را طوری تربیت کنیم که بتواند نیازهای خود را برطرف کند.»

جدول ۳: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت اقتصادی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت اقتصادی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱۲	۱۶	۲۲	۱۹	۲۶	۲۵	صرفه‌جویی
۱۴	۱۱	۱۲	۱۸	۱۴	۱۷	پس‌انداز
۱	-	-	-	۲	-	سرمایه‌گذاری
۳	۲	۳	۱	۵	۲	تولید
۹	۱۲	۱۹	۱۱	۲۵	۲۰	دخل و خرج
۵	۱۰	۷	۸	۸	۹	خرید و فروش
۱۰	۹	۹	۴	۹	۸	آشنایی با مفهوم پول
۱۰	۵	۱۸	۱۰	۱۷	۱۹	کار کردن
۴	۳	۳	۱	۵	۲	سپرده
۱	۵	۲	-	۴	۵	برنامه‌ریزی مالی
-	-	۲	-	۵	-	بازار
۱	-	-	-	۱	۲	قیمت
۹	۴	۷	۶	۱۵	۱۰	استقلال مالی

مادر کردزبان (فوق دیپلم): «پدر و مادر الگوی بچه‌ها هستند. اگر والدین از لحاظ مالی موفق باشند، کودکان هم موفق خواهند شد. ما باید فرزندمان نحوه به دست آوردن پول، خرج کردن و پس‌انداز و صرفه‌جویی را یاد بدهیم».

پدر فارس‌زبان (لیسانس): «من سعی می‌کنم تا فرزندانم را در خرید و فروش مشارکت دهم تا آن‌ها با اقتصاد آشنا شوند. به عنوان مثال موقعی که برای خرید به بازار می‌رویم از پسرم می‌خواهم که پول‌ها را بشمارد یا کارت بکشد. هر چند این کارها به نظر او تفریح است، اما کم کم یاد می‌گیرد. پسرم را تشویق می‌کنم که پول‌هایش را جمع کند تا بتواند وسایل مورد علاقه‌اش را بخرد».

۴- تربیت سیاسی

از نظر والدین شرکت‌کننده در تحقیق یکی از وظایف تربیتی والدین آشنا کردن کودکان با نقش سیاسی است. والدین اظهار داشتند، باید کودکان را به گونه‌ای پرورش دهیم که در انتخابات شرکت کنند و نسبت به مسائل سیاسی کشور علاقه‌مند باشند. از نظر آنان والدین نقش مهمی در جهت‌گیری سیاسی کودک دارند و بر عهده آنان است که کودکان را از اهمیت نظام سیاسی کشور آگاه سازند. والدین کم‌سواد در این مورد نظر کلی داشتند و صرفاً شرکت در انتخابات را به عنوان معیار تربیت سیاسی قلمداد می‌کردند. در قیاس با سایر مؤلفه‌های تربیت، این بعد از تربیت کمتر مد نظر والدین بود و دوری از سیاست را ترجیح می‌دادند.

نمونه‌هایی از اظهارات والدین در ادامه آمده است: مادر فارس‌زبان (زیر دیپلم): «اگر من در انتخابات شرکت کنم، فرزندم نیز مرا الگوی خود قرار خواهد داد و او نیز در انتخابات شرکت خواهد کرد».

پدر فارس‌زبان (لیسانس): «تربیت سیاسی یعنی این که ما به عنوان والدین فرزندانمان را با نظام سیاسی کشور آشنا کنیم و به او بیاموزیم که به کشورش علاقه‌مند باشد و به مسائل سیاسی کشورش علاقه‌مند باشد».

جدول ۴: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت سیاسی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱۳	۱۲	۱۸	۱۶	۱۷	۱۵	شرکت در انتخابات
-	۱	۵	۴	۴	۳	آگاهی از اوضاع سیاسی کشور
۴	۶	۸	۵	۶	۷	میهن‌پرستی
-	-	-	-	۳	-	دانش سیاسی
-	۱	۲	-	۲	-	نگرش‌های سیاسی
۴	۲	۵	۴	۴	۳	آزادی
۴	-	۱	-	۲	-	عدالت
-	۲	۵	۱	۴	-	استقلال سیاسی

مادر ترک‌زبان (دیپلم): «من سعی می‌کنم بچه‌هایم وارد سیاست نشوند، خودم هم دوست ندارم درباره سیاست صحبت کنم. به نظرم سیاست خیلی پیچیده و مبهم است. ولی در انتخابات شرکت می‌کنیم و همیشه رأی می‌دهیم».

پدر ترک‌زبان (فوق لیسانس): «تربیت سیاسی یعنی فرزندمان را در بحث‌های سیاسی مشارکت دهیم و نظر آن‌ها را جویا شویم. مثلاً نزدیک انتخابات مشارکت فعال پدر و مادر باعث می‌شود که کودک نیز علاقه‌مند شود و خود را در سرنوشت کشورش سهیم بداند».

مادر کردزبان (لیسانس): «من اطلاعات کمی درباره سیاست دارم و نمی‌دانم در قبال پرسش‌های پسر چه پاسخی بدهم. به نظرم باید به این جنبه از تربیت بیشتر توجه شود و والدین باید آموزش داده شوند؛ چرا که خانواده در تربیت کودک نقش مهمی دارد».

۵- تربیت جنسی

بر اساس نظر شرکت‌کنندگان در تحقیق، والدین باید بر رفتارهای جنسی کودکان نظارت کنند و رفتارهای خارج از عرف آنان را منع کنند. به نظر برخی از والدین حرف زدن درباره مسائل جنسی باعث آشنایی زودهنگام کودکان با مسائل جنسی می‌شود و کنجکاوی آنان را برمی‌انگیزد. در کل اطلاعات والدین در این زمینه ناچیز بود و صرفاً به سؤال پژوهشگر مبنی بر تعریف تربیت جنسی و اهداف آن به صورت کلی و مبهم پاسخ می‌دادند. والدین از صحبت کردن درباره چنین مسائلی احساس شرم داشتند. عده‌ای هم معتقد بودند که در قبال رفتارهای جنسی کودک نمی‌دانند چگونه باید رفتار کنند و از آینده جنسی کودکشان اظهار نگرانی می‌کردند. والدینی که فرزند نوجوان داشتند اظهار می‌کردند که در قبال رفتارهای جنسی فرزندشان احساس بی‌کفایتی می‌کنند. والدین فارس‌زبان با راحتی بیشتر و به صورت روشن‌تر در این زمینه صحبت کردند. والدین تحصیلکرده در قیاس با والدین کم‌سواد اطلاعات بیشتری داشتند. در ادامه نمونه‌ای از نظرات والدین آورده می‌شود:

پدر کردزبان (زیر دیپلم): «به نظر من کودکان وقتی بزرگ‌تر می‌شوند، خودشان با این مسائل آشنا می‌شوند و نیازی نیست که ما با آن‌ها درباره این مسائل صحبت کنیم. ما باید مواظب باشیم که آن‌ها منحرف نشوند».

پدر ترک‌زبان (لیسانس): «من دوست دارم فرزندم از لحاظ جنسی انسان متعادلی باشد، اما درباره تربیت جنسی اطلاعاتی ندارم و نمی‌دانم چگونه می‌توانم فرزندم را درست تربیت کنم.»

جدول ۵: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت جنسی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت جنسی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱	۵	-	۳	-	۲	هویت جنسی
-	۱	-	-	۲	۱	رفتار طبیعی جنسی
-	۲	-	۱	-	-	رفتار مشکل‌ساز جنسی
۱	۳	-	۱	۱	۲	جهت‌گیری جنسی
-	۳	۲	۵	-	۷	ارتباط با جنس مخالف
۷	۵	۴	۶	۴	۸	بلوغ
۴	۲	۲	۱	۳	۲	تولید نسل
۱	۴	۱	۵	۲	۴	آشنایی با ساختمان بدن
۲	۵	۲	۳	۲	۶	تفاوت دختر و پسر
۱	۶	۱	۳	-	۴	قوانین لمس
۴	۶	۲	۴	۲	۵	سوءاستفاده جنسی

پدر فارس‌زبان (فوق دیپلم): «وظیفه والدین این است که رفتار جنسی درست و نادرست را به کودکان بیاموزند و خودشان نیز باید مواظب رفتارهای خود باشند تا کودکان تربیت جنسی درستی داشته باشند.»
مادر ترک‌زبان (لیسانس): «تربیت جنسی یعنی این که ما باید مواظب باشیم که فرزندانمان با دوستان منحرف جنسی نگردند، یا فیلم‌های جنسی را نبینند. زیرا این فیلم‌ها باعث می‌شوند که کودک کنجکاو شود و به دنبال مسائل جنسی باشد.»

مادر کردزبان (فوق دیپلم): «من به عنوان والد سه فرزند برخی از رفتارهای جنسی مثل بازی کردن با آلت در فرزندانم دیده‌ام، اما نمی‌دانم چگونه باید با این موضوع برخورد کنم.»
مادر فارس‌زبان (لیسانس): «به نظر من آشنا کردن کودکان با مسائل جنسی باعث تحریک کنجکاوی کودکان می‌شود و آن‌ها خود به خود با این مسائل آشنا خواهند شد.»

۶- تربیت جسمانی

داشتن کودک سالم از نظر جسمی مورد تأکید اکثر والدین مشارکت‌کننده در تحقیق بود. والدین اشاره کردند که دوست دارند فرزندان‌شان تنومند باشند و از آمادگی جسمانی خوبی برخوردار باشند. از نظر آن‌ها تغذیه کودک باید متناسب با نیازهای رشدی او باشد. هم‌چنین والدین اشاره کردند که باید کودکان را با فواید مواد غذایی گوناگون آشنا کرد و آن‌ها را از مصرف مواد خوراکی شیمیایی بر حذر داشت. رعایت بهداشت فردی از قبیل استحمام، مسواک زدن، پوشیدن لباس تمیز و خواب کافی مواردی بودند که والدین به آن‌ها اشاره کردند. هم‌چنین تشویق به ورزش جهت داشتن بدن سالم و مقاومت در برابر سختی‌ها از جمله اهداف تربیتی والدین بود.

جدول ۶: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت جسمی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت جسمی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۳۷	۴۹	۴۷	۴۵	۳۵	۴۶	ورزش کردن
۱۵	۳۲	۲۲	۳۲	۳۰	۳۳	مسواک زدن
۱۲	۳۲	۱۹	۳۴	۲۴	۲۹	خوردن میوه و سبزی
۹	۸	۲	۱۲	۶	۱۲	پرهیز از پرخوری
۱۹	۲۶	۱۲	۲۳	۲۷	۲۲	داشتن عادات غذایی سالم
۶	۸	۳	۸	-	۷	استحمام
۲	۱۳	۴	۹	۳	۱۱	آشنایی با فواید و مضرات مواد غذایی
۲	۶	۴	۵	۵	۱۵	خواب و استراحت کافی
۲	۵	۳	۸	-	۹	پوشیدن لباس تمیز
۶	۲۴	۱۲	۱۹	۱۱	۲۱	اجتناب از رفتارهای پرخطر
۱۹	۲۸	۱۲	۲۴	۱۹	۳۳	داشتن سبک زندگی سالم

مادر ترک‌زبان (لیسانس): «داشتن جسمی سالم یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی من است. دوست دارم فرزندانم سالم باشند و تغذیه درستی داشته باشند. به نظر ترجیحات غذایی کودک در خانواده شکل می‌گیرد و در واقع می‌توان گفت که کودکان ادامه‌دهنده رفتارهای والدین هستند».

پدر ترک‌زبان (فوق لیسانس): «داشتن جسمی سالم در گرو داشتن تغذیه سالم و ورزش کردن است. کودکان عادات غذایی را از والدین یاد می‌گیرند و والدین ورزشکار کودکان ورزشکاری دارند».

مادر فارس‌زبان (فوق دیپلم): «روح و جسم انسان‌ها با همدیگر در ارتباطند و هر دو باید سالم باشند و من تلاش می‌کنم تا کودکم را به خوردن غذاهای سالم و مصرف میوه و سبزیجات تشویق کنم».

پدر کردزبان (لیسانس): «تلاش می‌کنم تا فرزندم عادات رفتاری مناسبی مثل به موقع خوابیدن، خوب غذا خوردن، نظافت و مسواک زدن را داشته باشد. به نظر من یکی از مهم‌ترین وظایف تربیتی والدین این است که کودکشان از لحاظ جسمی سالم پرورش یابد. یعنی نیازهای غذایی‌اش برطرف شود و کم و کاستی نداشته باشد».

مادر کردزبان (زیر دیپلم): «تربیت یعنی این که به فرزندانمان یاد بدهیم که سلامتی اهمیت زیادی دارد و نحوه سالم ماندن را یاد بدهیم. مثلاً درباره اهمیت ورزش کردن، خوردن غذاهای سالم با آن‌ها صحبت کنیم و مواظب باشیم که سیگار نکشند و معتاد نشوند. مهم‌ترین وظیفه و خواسته والدین سلامتی فرزندان است».

۷- تربیت اجتماعی

از نظر والدین شرکت‌کننده در تحقیق، کودکان باید طوری تربیت یابند که بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را برطرف نمایند.

از نظر آنان یکی از مصادیق تربیت اجتماعی، رعایت قوانین شهروندی است. همچنین آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی از قبیل توانایی برقراری ارتباط و ابراز عقیده از جمله مواردی بود که والدین به آن اشاره کردند.

پدر فارس‌زبان (لیسانس): «انسان موجودی اجتماعی است، به همین خاطر باید قوانین زندگی اجتماعی را رعایت نماید. ما به عنوان والدین وظیفه داریم که کودکانمان را طوری پرورش دهیم که بتوانند با دیگران ارتباط برقرار نمایند و نیازهای خود را برطرف نمایند.»

جدول ۷: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت اجتماعی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۴۰	۴۵	۳۱	۲۹	۳۵	۳۴	برقراری ارتباط با دیگران
۳۹	۳۵	۲۲	۳۲	۱۹	۲۷	ابراز عقیده
۹	۱۱	۱۷	۱۱	۱۵	-	رعایت قوانین
۱۷	۱۹	۳۰	۳۶	۱۵	۳۲	احترام به دیگران
۱۹	۲۸	۳۳	۳۴	۳۷	۳۶	همکاری
۲۰	۱۷	۱۸	۱۶	۱۴	۲۲	مسئولیت‌پذیری
۲۰	۲۵	۱۱	۱۹	۱۴	۲۶	فداکاری و ایثار
۱	۹	-	۳	۴	۶	تحمل آرای مخالف
۷	۴	۱۰	۷	۵	۹	تعهد
۱	۲	۳	-	۴	۶	عدالت

مادر ترک‌زبان (دیپلم): «کودک با تربیت از نظر من کودکی است که قوانین را رعایت می‌کند و به حقوق دیگران احترام می‌گذارد.»

پدر ترک‌زبان (فوق لیسانس): «به نظر من یکی از مصادیق کودک با تربیت، کودکی است که بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند، نظرش را اعلام کند و در کارهای مختلف همکاری کند و اظهار نظرات دیگران را در نظر بگیرد و خودخواه نباشد. کودکان از طریق مشاهده، تشویق و تنبیه و به مرور زمان این رفتارها را یاد می‌گیرند.»

مادر کردزبان (فوق دیپلم): «ما برای آینده فرزندانمان اهداف زیادی داریم، به عنوان مثال دوست دارم پسر من شهروند خوبی باشد و قوانین را رعایت کند. هم‌چنین مسئولیت‌گرایش را برعهده بگیرد و در کارهای دسته‌جمعی مشارکت کند تا بتواند نیازهایش را برطرف کند.»

۸- تربیت عقلی

توانایی تصمیم‌گیری درست، سنجیدن جوانب مختلف یک مسئله، پرهیز از قضاوت‌های احساسی و شتاب‌زده، اندیشیدن قبل از سخن گفتن، توانایی حل مسئله و اندیشیدن به راه‌های نو از جمله مواردی بودند که والدین آن را در حیطه تربیت عقلی کودک قرار دادند. هم‌چنین والدین معتقد بودند که صحبت کردن استدلال‌آمیز با کودک، اجازه اظهار نظر دادن به کودک، خواندن کتاب، تشویق به ادامه تحصیل و مانند آن می‌تواند رشد عقلی کودک را افزایش دهد.

داشتن کودک عاقل با رفتارهای سنجیده یکی از پربسامدترین اهداف تربیتی والدین سه قومیت ترک، کرد و فارس‌زبان بود.

جدول ۸: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت عقلی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت عقلی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱۹	۳۵	۲۴	۳۲	۳۲	۲۹	تصمیم‌گیری درست
۱۶	۱۴	۱۶	۱۲	۱۰	۱۵	پرهیز از قضاوت‌های عجولانه
۲۰	۲۳	۱۴	۳۰	۲۰	۲۴	اندیشیدن قبل از سخن گفتن
۳	۱۰	۵	۴	-	۹	توانایی حل مسئله
۷	۶	۳	-	۵	۱۲	خلاقیت
۴	۸	۱۲	۲۶	۲۱	۲۵	سنجیدن جوانب مختلف
۳	۹	-	۴	-	۶	آموزش تفکر

مادر فارس‌زبان (لیسانس): «تربیت یعنی این‌که فرزندمان را تشویق کنیم که قبل از صحبت کردن فکر کند و عجله نکند. به او فکر کردن را یاد دهیم. مثلاً من سعی می‌کنم در مورد چیزهای مختلف مثل علت باریدن باران یا روییدن گیاهان نظر دخترم را بپرسم. این‌طوری او در مورد آن‌ها فکر می‌کند و در ذهنش دنبال جواب می‌گردد و اگر نتواند پاسخ دهد از ما می‌پرسد».

مادر کردزبان (فوق لیسانس): «دوست دارم فرزندم خلاقیت داشته باشد و در کارها عقل خود را به کار بیندازد و مسائلیش را خودش حل کند. خلاقیت یعنی این‌که خودش راه‌های جدیدی را پیدا کند و صرفاً تقلید نکند. تربیت یعنی این‌که ما به عنوان والدین شرایط شکوفایی استعدادهای فرزندمان را فراهم کنیم و با تنبیه مانع سرکوبی آن‌ها نشویم».

پدر فارس‌زبان (زیر دیپلم): «یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی من این است که فرزندم عاقل باشد. مثلاً هر حرفی را به زبان نیاورد یا عجولانه تصمیم نگیرد. از دیگران مشورت بگیرد و منطقی باشد. کودکی که این‌گونه باشد مورد تحسین همه است و آرزوی هر پدر و مادری داشتن فرزند عاقل است».

پدر ترک‌زبان (فوق دیپلم): «تربیت در جامعه امروز کار سختی است؛ چون بچه‌ها در کنترل والدین نیستند. اما از نظر من مهم‌ترین وظیفه پدر و مادر این است که کودک را منطقی تربیت کنند و مطابق با درک و فهمش با او رفتار کنند. اگر با کودک مطابق با سن او رفتار شود باعث می‌شود که او نیز منطقی رفتار کند».

۹- تربیت عاطفی

والدین اعتقاد داشتند که باید کودک را به گونه‌ای پرورش داد که بتواند عواطفی از قبیل شادی، غم، خشم را با موقعیت تطبیق دهد و بر آن‌ها کنترل داشته باشد. برای مثال والدی معتقد بود: «یکی از اهداف تربیتی من این است که فرزندم بتواند احساساتی مثل شادی، غم، حسادت و خشم را به راحتی ابراز کند، آن‌ها را پنهان نکند و بر آن‌ها کنترل داشته باشد». در حیطه تربیت عاطفی بیشترین والدین کنترل عواطف را جزء ویژگی‌های کودک با تربیت تلقی می‌کردند و تعداد اندکی از والدین به اظهار آزادانه احساسات اعتقاد داشتند.

مادر کردزبان (زیر دیپلم): «کودک با تربیت کودکی است که موقع عصبانیت خودش را کنترل می‌کند و موقع شادی هم مواظب رفتارش است. نه زیاد ناراحت می‌شود و نه زیاد غمگین. هدفم از به دنیا آوردن بچه این است که انسان مفیدی برای جامعه پرورش بدهم».

جدول ۹: فراوانی زیرمجموعه‌های تربیت عاطفی از دیدگاه والدین قومیت‌های ترک، کرد و فارس

قومیت فارس		قومیت کرد		قومیت ترک		زیرمجموعه‌های تربیت عاطفی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۴	۱۵	۶	۱۲	۱۰	۱۳	کنترل عواطف
۳	۱۴	۱	۶	-	۹	ایزاز عواطف
-	۱۰	۲	۱۵	۵	۱۴	شناخت عواطف و هیجانات

پدر کردزبان (لیسانس): «هدفم از تربیت این است که فرزندم درست بار بیاد و انسان میان‌ه‌رویی باشد. مثلاً احساسات خودش را بشناسد و بتواند آن‌ها را مدیریت و درست رفتار کند. به عنوان مثال اگر احساس افسردگی می‌کند، علتش را پیدا کند و به آرامش برسد».

مادر فارس‌زبان (زیر دیپلم): «من تلاش می‌کنم که شرایطی را فراهم کنم و طوری با دخترم برخورد کنم که به راحتی و بدون ترس بتواند احساسات خودش را به زبان بیاورد. مثلاً اگر از دست من ناراحت است، با آسودگی آن را به زبان بیاورد یا مثلاً اگر به کسی حسادت می‌کند، بگوید تا به راحتی درباره آن صحبت کنیم».

پدر ترک‌زبان (زیر دیپلم): «من به عنوان پدر دو کودک نمی‌دانم در قبال خشونت پسرانم چه برخوردی داشته باشم. اطلاعات والدین در این زمینه اندک است. در حالی که اگر به احساسات کودکان توجه نشود، سایر رفتارهای کودکان نیز تحت تأثیر این زمینه قرار می‌گیرد».

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج پژوهش ۹ مؤلفه شامل تربیت دینی، تربیت جنسی، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت اقتصادی، تربیت جسمی، تربیت اخلاقی، تربیت عقلی و تربیت عاطفی شناسایی شدند. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده توسط محقق، تاکنون هیچ‌گونه تحقیق داخلی به بررسی مؤلفه‌های تربیت کودک از دیدگاه والدین نپرداخته است. محققان داخلی بیشتر اهداف و ابعاد تربیت را از دیدگاه اندیشمندان مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. نصرتی هشی، علی نوروزی، میرشاه جعفری و بختیارنصرآبادی^{۲۵} (۱۳۹۳) اهداف تربیت از دیدگاه بوعلی سینا را شامل اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی - آموزشی، فرهنگی - هنری، اجتماعی، زیستی - جسمانی، سیاسی، اقتصادی می‌دانند. هاشمی رکاوندی^{۲۶} (۱۳۷۴) ابعاد تربیت را شامل اجتماعی، سیاسی، دینی، اقتصادی، جسمانی، عقلانی، عاطفی، حس زیبایی و اخلاقی می‌داند. افشاری^{۲۷} (۱۳۹۴) با توجه به حوزه کارکردی، ابعاد تربیت را در سه دسته طبقه‌بندی کرده است: ۱- رابطه انسان با خدا (تربیت عبادی، تربیت دینی)؛ ۲- رابطه انسان با اجتماع (تربیت خانوادگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جنسی)؛ ۳- رابطه انسان با خود (عقلانی، اخلاقی، جسمانی، جنسی). تحقیقات خارجی نیز به مقایسه اهداف تربیتی کشورهای مختلف پرداخته‌اند و به صورت مستقیم و انحصاری به شناسایی مؤلفه‌های تربیت کودک از دیدگاه والدین نپرداخته‌اند.

تحقیقات ایسپا (۲۰۰۱)، ولبی و نیهاس (۲۰۰۶)، روزنتال و گولد (۱۹۸۹)، هافمن (۱۹۸۸)، چاو (۱۹۹۵) و هاروود و همکاران (۱۹۹۶) نشان داد که اهداف والدین شامل توانمند شدن اقتصادی فرزندان، سلامتی، فضل، ادب، تحسین زیبایی، حس تقدیر نسبت به وطن، پیشرفت تحصیلی، شادی، اعتماد به نفس، همکاری،

لطف، تفکر، همدلی، اطاعت، احترام گذاشتن، برقراری رابطه خوب، کنجکاوی، باهوش بودن، داشتن شغل مناسب، عشق و محبت و مانند آن است. با توجه به نتایج تحلیل داده‌ها والدین ایرانی اشاره بیشتری به اهداف تربیتی دینی و اخلاقی و اجتماعی داشتند و در برخی از حیطه‌ها از قبیل تربیت عاطفی، جنسی، سیاسی و اقتصادی اطلاعات اندکی داشتند. والدین ایرانی به عنوان فرهنگ جمعی بیشتر به اهداف وابستگی از قبیل احترام، سازگاری، همکاری و برقراری رابطه اهمیت دادند. تداوم فرهنگ جمعی در گرو تربیت کودکانی است که با یکدیگر در انجام کارها مشارکت کنند. البته با توجه به نتایج تحقیق، والدین با تحصیلات بالاتر به اهداف استقلال اهمیت بیشتری می‌دهند، اما در مجموع می‌توان گفت که اهداف تربیتی والدین وابسته به بافت‌های مختلف است. به عنوان مثال والدین در بافت‌های خصوصی مثل خانواده خواستار وابستگی هستند و در بافت‌های اجتماعی مثل محیط‌های رسمی خواهان استقلال کودکان خود هستند.

همان‌طوری که قبلاً نیز گفته شد تربیت فرایندهای تسهیل‌کننده رشد است و رشد انسان ابعاد گوناگون وجود انسانی را در بر می‌گیرد. روان‌شناسان رشد انسان را شامل سه بعد کلی رشد جسمانی، شناختی و هیجانی - اجتماعی می‌دانند، اما علاوه بر این ابعاد زندگی انسان دارای ابعادی مثل، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جنسی، فردی و اجتماعی است. تکامل انسان در گرو رشد متعادل و هم‌زمان هر یک از این ابعاد است. پژوهش‌های انجام شده در ایران صرفاً به صورت جداگانه به ابعاد تربیت پرداخته‌اند. به عنوان مثال پژوهش نصیری‌زاده و بیابانی بیدگلی^{۲۸} (۱۳۹۴) ابعاد تربیت دینی را شامل اعتقادی، اخلاقی و عاطفی می‌داند. آموزش جنسی در کشورهای غربی به علت شیوع رفتارهای جنسی پرخطر و کاهش سن بروز این رفتارها، رواج یافته است. در این کشورها آموزش پیشگیری از بارداری و بیماری‌های مقاربتی جزء عناصر تربیت جنسی در دوران نوجوانی است. با این وجود، آموزش این موضوع در بافت‌های متفاوت ایران بحث‌انگیز است. نتایج تحقیق ابوالقاسمی، مرقاتی خویی و تقدیسی^{۲۹} (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که والدین ایرانی اغلب اطلاعات غلطی درباره مسائل جنسی کودکان دارند و جهل درباره رشد جنسی کاملاً مشهود است. والدین اظهار داشتند که صلاحیت کافی برای تربیت جنسی فرزندان‌شان را ندارند و احساس بی‌کفایتی می‌کردند.

مطالعه‌ای در کرمان نشان داد والدین نسبت به آموزش جنسی به نوجوانان نگرش مثبتی نداشتند (فروزی‌عزیززاده و محمد علیزاده^{۳۰}، ۱۳۸۶). نتایج تحقیق ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که ساختار فرهنگی خانواده به عنوان عامل بازدارنده در تربیت جنسی کودک محسوب می‌شود. بر اساس نتایج تحقیق سبحانی‌نژاد، همایی و علیین^{۳۱} (۱۳۸۶) حیطه آگاهی والدین شرکت‌کننده در تحقیق در زمینه مسائل جنسی پایین‌تر از حد متوسط است. تربیت جنسی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین جنبه‌های پرورش کودکان است که به دلایلی مانند شرم، حیا و تابو بودن آن در برخی از جوامع توجه اندکی به آن می‌شود. هم‌چنین والدین دانش و بینش کافی در این زمینه ندارند و یا اطلاعات را از منابع نامعتبر دریافت می‌کنند (شریفی، آرمان، عبدلی، بانکی پورفرد و کهن^{۳۲}، ۲۰۱۶). بر اساس نتایج تحقیق پور اولی^{۳۳} (۱۳۷۹) ۸۳ درصد از معلمان معتقد بودند که «قاعدگی طبیعی، علل، برخورد با آن و مسائل شرعی مربوط به آن» و «ایدز، علل، روش‌های پیشگیری و سرایت آن» به طور کامل به نوجوانان آموزش داده شود و به ترتیب ۲۱/۸ و ۲۶ درصد با آموزش «سقط به دختران» و «روش‌های پیشگیری از بارداری» به هر دو گروه مخالف بودند. در این تحقیق

نیز والدین اطلاعات اندکی درباره تربیت جنسی کودک داشتند که در برخی مواقع نیز اطلاعات آنان با تصورات اشتباه همراه بود.

از نظر امام خمینی (ره) مؤلفه‌های تربیت سیاسی عبارتند از: آگاهی، خودشناسی، استقلال، عدالت و عدالت (سلحشوری و خنکدار طارسی^{۳۴}، ۱۳۹۳). آدیسوی و اولواسیون^{۳۵} (۲۰۱۶) تربیت سیاسی را شامل ابعاد دانش سیاسی، مهارت‌های سیاسی و گرایش سیاسی می‌داند. دانش سیاسی به دامنه‌ای از اطلاعات سیاسی واقعی که در حافظه بلندمدت ذخیره شده است، گفته می‌شود (پاستارمادزیوا^{۳۶}، ۲۰۱۵). بادریا و لویپیا^{۳۷} (۲۰۱۱) دانش سیاسی را به عنوان «شاخص توانایی شهروندان برای فراهم کردن پاسخ‌های صحیح به یکسری از سؤالات مبتنی بر واقعیت» می‌داند. مهارت سیاسی نوعی سبک بین فردی است که از آگاهی اجتماعی و توانایی برقراری ارتباط خوب تشکیل یافته است. گرایش سیاسی نوعی جهت‌گیری است که مشخصه تفکر یک گروه یا ملت است. در حیطه تربیت جسمی والدین به کرات به سلامت جسمی اشاره کردند و موارد آن را شامل تغذیه مناسب، ورزش و بهداشت فردی دانستند.

در پژوهش حاضر صرفاً قومیت ترک، کرد و فارس مورد بررسی قرار گرفته است. لذا تعمیم نتایج آن به سایر قومیت‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. از آنجایی که بر اساس نتایج تحقیق والدین درباره تربیت عاطفی، جنسی، اقتصادی و سیاسی در قیاس با سایر مؤلفه‌ها اطلاعات ناچیزی داشتند، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی آموزشی بیشتر در این حیطه صورت گیرد. همین‌طور، بر اساس نتایج تحقیق والدین بر تربیت اجتماعی، اخلاقی و دینی تأکید بیشتری داشتند، پیشنهاد می‌شود، در برنامه‌ریزی‌های آموزشی این موضوع مد نظر قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1. child rearing | 20. Hoffman |
| 2. Motahari | 21. Ayyubi |
| 3. Mussen, Conger, Kagan & Huston | 22. Creswell |
| 4. Yasayi | 23. Hooman |
| 5. Wagenhals | 24. Adib Hajbagheri, Parvizi & Salsali |
| 6. Phalet & Schonpflug | 25. Nosrati Heshi, Nowrozi, Mirshah Jafari & Bakhtiyar Nasr Abadi |
| 7. Rosenthal & Roer-Strier | 26. Hashemi Rekavandi |
| 8. Pearson & Rao | 27. Afshari |
| 9. Markus & Kitayama | 28. Nasirizadeh & Biabani Bidgoli |
| 10. Greenfield, Keller, Fuligni & Maynard | 29. Abolghasemi, MerghatiKhoei & Taghdissi |
| 11. Keller, Lamm, Abels, Yovsi, Borke, ... Chaudhary | 30. Forozi-Azizzadeh & Mohammad-Alizadeh |
| 12. Oyserman, Coon & Kimmelmeier | 31. Sobhaninezhad, Homaei & Eliein |
| 13. Kagitcibasi | 32. Sharifi, Arman, Abdoli, Banki Poor Fard & Kohan |
| 14. Webley & Nyhus | 33. Pooravvali |
| 15. Ispa | 34. Salahshoori & Khonakdar Tarsi |
| 16. Chao | 35. Adefisoye & Oluvaseune |
| 17. Harwood, Scholmerich, Ventura-Cook, | |

- Schulze & Wilson
 18. Wang & Tamis-Lemonda
 19. Rosenthal & Gold
 36. Pastarmadzhieva
 37. Boudreau & Lupia

منابع

- ابوالقاسمی، ن.، مرقاتی خوبی، ع. ا.، و تقدیسی، م. ح. (۱۳۸۹). تبیین تربیت جنسی دانش‌آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی. *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، ۲۸(۲)، ۳۹-۲۷.
- ادیب حاج باقری، م.، پرویزی، س.، و صلصالی، م. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- افشاری، م. ح. (۱۳۹۴). تربیت جنسی کودک در روایات اهل بیت. *حدیث و اندیشه*، ۱۰(۲۰)، ۹۳-۷۴.
- ایوبی، ح. ا. (۱۳۷۷). شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱(۱)، ۳۸-۱۹.
- پور اولی، ب. (۱۳۷۹). بررسی نگرش معلمان شهر کرمان نسبت به آموزش جنسی و بررسی نظرات آنان در مورد نکات مورد لزوم در آموزش جنسی به نوجوانان در سال ۱۳۷۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان.
- سبحانی‌نژاد، م.، همایی، ر.، و علیین، ح. (۱۳۸۶). بررسی تحلیل سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۶(۲۱)، ۴۸-۲۷.
- سلحشوری، ا.، و خنکدار طارسی، م. (۱۳۹۳). اهداف و روش‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره). *اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*. ۲۱ خرداد ۱۳۹۳، قم.
- فروزی عزیززاده، م.، و محمدعلیزاده، س. (۱۳۸۶). نگرش والدین کرمانی نسبت به آموزش جنسی در سال ۱۳۸۲. *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد*، ۱۵(۲)، ۹۹-۹۳.
- ماسن، پ.، کانجر، ج.، کیگان، ج.، و هوستون، ا. ک. (۱۹۹۰). *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه م. یاسایی (۱۳۸۰). تهران: مرکز، کتاب ماد.
- مطهری، م. (۱۳۵۷). *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*. تهران: صدرا.
- نصرتی هشی، ک.، نوروزی، ر. ع.، میرشاه جعفری، س. ا.، و بختیار نصرآبادی، ح. ع. (۱۳۹۳). اهداف تربیت از نگاه ابن سینا. *مجله حکمت سینوی*، ۱۸(۵)، ۱۲۶-۱۱۵.
- نصیری زاده، ح. ر.، و بیابانی بیدگلی، ز. (۱۳۹۴). جایگاه تربیت دینی (عقیدتی، اخلاقی، عبادی) کودکان در خانواده و راهکارهای وصول آن از دیدگاه اسلام. *اولین همایش ملی تربیت دینی راهی به سوی تعالی*، ۱۳ اسفند ۱۳۹۴، یزد.
- هاشمی رکوندی، م. (۱۳۷۴). *تربیت و شخصیت انسانی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۹). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: سمت.
- Abolghasemi, N., MerghatiKhoei, E., & Taghdissi, H. (2010). [Teachers' perceptions of sex education of primary school children]. *Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, 8(2), 27-39 [in Persian].
- Adefisoye, T. O., & Oluwaseun, B. (2016). The role of political education in promoting attitudinal change for sustainable democracy in Nigeria. *American Journal of Innovative Research and Applied Science*, 2(4), 147-157.
- Adib Hajbagheri, M., Parvizi, S., & Salsali, M. (2010). [Qualitative Research Methods]. Tehran: Boshra Publication [in Persian].

- Afshari, M. H. (2015). [Child Sexual Education in Ahl Al-Bayt's Narrations]. *Hadis va Andisheh*, 10(20), 74- 93 [in Persian].
- Ayyubi, H. (1998). [Ethnic Gaps and Violence in Political Struggles]. *Strategic Studies Quarterly*, 1(1), 19-38 [in Persian].
- Boudreau, C., Lupia, A., (2011). Political knowledge. In J. Druckman, D. Green, J. Kuklinski, & A. Lupia (Eds), *Cambridge Handbook of Experimental Political Science*. (pp 171-186). England: Cambridge University Press.
- Chao, R. K. (1995). Chinese and European American cultural models of the self reflected in mothers' childrearing beliefs. *ETHOS: Journal of the Society for Psychological Anthropology*, 23(3), 328-354.
- Forozi-Azizadeh, M., & Mohammad-Alizadeh, S. (2007). [Attitude and Opinion of Parents about Sex Education of Adolescents and Its Contents in Kerman]. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences*, 15(2), 93-99 [in Persian].
- Greenfield, P., Keller, H., Fuligni, A., & Maynard, A. (2003). Cultural pathways through universal development. *Annual Review of Psychology*, 54, 461-490.
- Harwood, R. L., Scholmerich, A., Ventura-Cook, E., Schulze, P. A., & Wilson, S. P. (1996). Culture and class influences on Anglo and Puerto Rican mothers' beliefs regarding long-term socialization goals and child behavior. *Child Development*, 67, 2446-2461.
- Hashemi Rekavandi, M. (1995). [*Personality and Education Humanistic*]. Qom: Islamic Advertising Office [in Persian].
- Hoffman, L. W. (1988). Cross-cultural differences in childrearing goals. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 40, 99-122.
- Hooman, H. A. (2010). [*Handbook of Qualitative Research*]. Tehran: SAMT [in Persian].
- Ispa, J. M. (2001). Russian child care goals and values: from Perestroika to 2001. *Early Childhood Research Quarterly*, 17, 393-413.
- Kagitcibasi, C. (2005). Autonomy and relatedness in cultural context: Implications for self and family. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 36(4), 403-422.
- Keller, H., Lamm, B., Abels, M., Yovsi, R., Borke, J. ... Chaudhary, N. (2006). Cultural models, socialization goals, and parenting ethnotheories: A multicultural analysis. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 37, 155-172.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the Self: Implications for Cognition, Emotion, and Motivation. *Psychological Review*, 98(2), 224-253.
- Merghati- Khoei, E., Abolghasemi, N., & Smith, T. G. (2014). Children are sexually innocent: Iranian parents' understanding of children's sexuality. *Archives of Sexual Behavior*, 43(3), 587-595.
- Motahari, M. (1978). [*An Introduction to the Islamic Worldview*]. Tehran: Sadra [in Persian].
- Mussen, P. H., Conger, J. J., Kagan, J., & Huston, A. C. (1990). *Child Development and Personality* (M. Yasayi, Trans.). Tehran: Markaz, Ketabe Maad [in Persian].
- Nasirizadeh, H. R., & Biabani Bidgoli, Z. (2016). [Children's Religious Education (Ideological, Moral, Worship) Position in the Family and its Achieving Solutions in Islam's point of view]. *The 1st National Symposium on religious education, a Way to Ascendancy, March 4, 2016* [in Persian].
- Nosrati Heshi, K., Nowrozi, R. A., Mirshah Jafari, S. E., & Bakhtiyar Nasr Abadi, H. A. (2014). [The Goal of Education from Ibn Sina's Point of View]. *Journal of Avcinnian Philosophy*, 18(51), 115-126 [in Persian].
- Oyserman, D., Coon, H. M., & Kemmelmeier, M. (2002). Rethinking individualism and collectivism: Evaluation of theoretical assumptions and meta-analyses. *Psychological Bulletin*, 128, 3-72.

- Pastarmadzhieva, D. (2015). Political knowledge: Theoretical formulations and practical implementation. *Trakia Journal of Sciences*, 13(1), 16-21.
- Pearson, E., & Rao, N. (2003). Socialization goals, parenting practices, and peer competence in Chinese and English preschoolers. *Early Child Development and Care*, 173(1), 131-146.
- Phalet, K., & Schönplflug, U. (2010). Intergenerational transmission of collectivism and achievement values in two acculturation contexts: The case of Turkish families in Germany and Turkish and Moroccan families in the Netherlands. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32(2), 186-201.
- Pooravali, B. (2000). *Study of Kerman Teachers' Attitude towards Sexual Education and Their Views on the Advice on Sexual Education for Adolescents in 1999*. Master's Thesis, Kerman University of Medical Sciences [in Persian].
- Rosenthal, D. A., & Gold, R. (1989). A comparison of Vietnamese-Australian and Anglo-Australian mothers' beliefs about intellectual development. *International Journal of Psychology*, 24, 179-193.
- Rosenthal, M., & Roer-Strier, D. (2001). Cultural differences in mothers' developmental goals and ethno-theories. *International Journal of Psychology*, 36, 20-31.
- Salahshoori, A., & Khonakdar Tarsi, M. (2014). [Purposes and methods of political education in perspectives of Imam Khomeini]. *The 1st International Congress on Religious Culture and Thought, June 11, 2014* [in Persian].
- Sharifi, M., Arman, S., Abdoli, S., Banki Poor Fard, A. H. & Kohan, S., (2016). Iranian parents' experiences about children sexual training: control, restriction and education. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*, 5(11), 376-385.
- Sobhaninezhad, M., Homaei, R., & Eliein, R. (2007). [Analytical Study of Sexual Training Style of Families in Tehran Province]. *Counseling Research and Development*, 6(21), 27-48 [in Persian].
- Wagenhals, D. (no date). *Why is it so Hard to Parent Today? The big picture of parental responsibility*. Available on: <http://centerforparentingeducation.org/library-of-articles/focus-parents/hard-parent-today-big-picture-parental-responsibility>.
- Wang, S. & Tamis-LeMonda, C. S. (2003). Do Child-rearing Values in Taiwan and the United States Reflect the Values of Collectivism and Individualism? *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 6(34), 629-642.
- Webley, P., & Nyhus, E. K. (2006). Parents influence on children's future orientation and saving. *Journal of Economic*, 27, 140-164.